

شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر حضور عادلانه زنان در

فضای عمومی شهری

(مطالعه موردی: بوستان شوش تهران)

هاشم داداش‌پور^۱، احمد یزدانیان^{۲*}، وحید کشت‌کار^۳

چکیده

فضاهای شهری از آن حال که عرصه حضور گروه‌های اجتماعی مختلف هستند، در آن‌ها همواره یک جریان دائمی طرد و شمول به چشم می‌خورد. جریان دوگانه که نوعی رقابت فضایی است، در نهایت به طرد یا پذیرش، حضور یا عدم حضور یکی از طرفین منتج می‌شود. امروزه، در جامعه ما، به‌رغم تحقیقات متعدد تحت عناوین گوناگون در ارتباط با جنسیت، فضاهای شهری، که بستر حضور و کنش دو جنس زن و مرد است، آن‌چنان که باید متناسب فراهم نشده است. از این رو، در این نوشتار به تحلیل چگونگی تأثیرگذاری جنسیت بر میزان طرد و شمول زنان از فضای بوستان شوش و به دنبال آن چگونگی بازتولید این رموزها و مرزهای استعاری حضور در فضا و تجلی آن در رفتار افراد در این فضا پرداخته شده است. نوشتار پیش رو با بهره‌گیری از روش‌شناسی کیفی و شیوه‌هایی مانند مشاهده مشارکتی و مصاحبه با ۲۱ نفر از افرادی که با بوستان شوش در ارتباط‌اند، در پی پاسخ به این سؤال است که: جنس‌های متفاوت در بوستان شوش موجب چه نوع تفاوت‌های فضایی می‌شوند؟ نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد در بوستان شوش مؤلفه جنسیت مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که حضور گروه‌های مختلف را در فضا رقم می‌زند. بدین شکل که برخی از افراد به‌واسطه جنسیت از فضای بوستان طرد و متقابلاً برخی دیگر در فضا جذب می‌شوند. تقویت و فراهم‌آوری زمینه‌های مشارکت فعال زنان در مقیاس محلی از سیاست‌های مهم پیشنهادی است که پیش از هر چیز ریشه‌های تاریخی و اجتماعی وضعیت حضور گروه زنان در فضای شهری را در نظر داشته و بر این اساس راهکارهای اجرایی را نه صرفاً در تغییرات کالبدی و فضایی، که در زمینه اجتماعی و فرهنگی و تاریخی آن جست‌وجو می‌کند.

کلیدواژگان

بازتولید قدرت، بوستان شوش، تولید فضا، روابط فضایی، فضای جنسیتی.

h-dadashpoor@Modares.ac.ir
yazdanian.ahmad@yahoo.com
kvahid70@yahoo.com

۱. عضو هیئت‌علمی گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس
۲. کارشناس ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس
۳. کارشناس ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۹

مقدمه و طرح مسئله

فضای شهری از آن حال که قلمرو حضور گروه‌های اجتماعی با مشخصه‌های جنسیتی، طبقاتی، نژادی و قومی و فرهنگی مختلف است، عرصه‌ای است که به برخی رفتارها امکان بروز می‌دهد و برخی کنش‌ها و رفتارها را محدود می‌کند [۲۳، ص ۷۳ به نقل از ۲۹، ص ۹۱]، در این معنا، فضای شهری اساساً قلمرویی است که حضور در آن به مسئله تبدیل می‌شود و انواع نابرابری‌ها در استفاده از آن دیده می‌شود؛ از جمله نابرابری‌های جنسیتی^۱ که به شیوه‌های مختلف و اغلب به‌واسطه فضا بازنمایی می‌شوند [۹]. با در نظر داشتن فضای شهری، در این معنا که تو گویی عرصه ارتباطی ذاتاً افتراقی است، شیوه‌های متفاوت حضور افراد در فضاهای شهری به‌مثابه تلاشی اغلب آگاهانه در فضای اجتماعی تلقی می‌شود که به نوعی تضمین‌کننده شکل‌گیری مناسبات و روابط مادی و غیرمادی آن‌هاست [۱۷، ص ۲۱۵]. در این میان، حضور زنان در فضای شهری، به‌منزله یکی از گروه‌های اجتماعی که شیوه حضور خاصی را ایجاد می‌کنند، درخور تأمل است. تقسیمات نمادین در فضای شهری، که از طریق الگوهای حضوری افراد بازنمایی می‌شوند، به‌طور تنگاتنگ با تقسیم جنسیتی نقش‌ها و اعمال، موقعیت مکانی و رفتار جنسیتی افراد که به نوعی بیانگر بازتولید بیولوژیکی امکان و چگونگی حضور و فعالیت است، در ارتباطاند. متناسب با چنین نگاهی به حضور گروه‌های مختلف در فضا، نشانه‌های مرزبندی نمادین فضاها و کنش‌ها در امتداد خطوط جنس و مشخصه‌های جنسیتی را می‌توان از جغرافیای انتزاعی عرصه‌های عمومی و خصوصی^۲ تا جغرافیای انضمامی محل زندگی روزمره و خرده‌تقسیمات فضای میان آن‌ها رصد کرد [۳] و در فضایی چون بوستان شوش، که بازنمونی از فضای زیستی در سطح محلی است، نشانه‌شناسی کرد.

همه ما در مقام شهروند، و دقیق‌تر به‌عنوان فردی که در شهر زندگی می‌کند، در زندگی روزمره بارها شاهد رفتارهای نمادین و به‌نوعی رفتارهای مبتنی بر سیاست^۳ زنان و مردان از طبقات مختلف اجتماعی در فضاهایی چون بوستان شوش بوده‌ایم که به نوعی در زمره قلمروهای فراغتی جای می‌گیرند [۱۶، ص ۱۹]. تعارض‌های نمادین در فضا بیانگر رقابت معانی و ارزش‌های متضادی است که از سوی افراد و گروه‌ها در استفاده و تصرف فضا به کار گرفته می‌شود [۲۴، ص ۱۷۴]. در فضاهایی چون بوستان شوش، حضور گروه‌های مختلف، به‌ویژه زنان، گاهی با نگاهی گذرا و جمله‌ای کوتاه در قالب تکه‌کلام‌ها خدشه‌دار می‌شود. چنین رفتارهایی را، که به‌واسطه نشانه‌هایی^۴ به گونه‌ای حضور دیگری را در فضا متأثر می‌کنند، می‌توان نوعی

1. gender discrimination
2. public and private spheres
3. policy-based actions
4. signs

رقابت فضایی برای حضور^۱ تلقی کرد که برای پس زدن^۲ دیگری از عرصه و به دست آوردن و از آن خود سازی فضا و حک کردن نشانه‌های وجودی خود بر فضای شهری به شیوه‌های نمادین انجام می‌گیرند. آنچه در فرایند رقابت^۳ فضایی که به‌زعم میشل فوکو جداسازی جنسیت‌ها^۴ [۲۱] را در پی دارد به‌وجود می‌آید، سلطه^۵ مردانه به فضا و به جا گذاشتن نمادهای جنسیتی مذکر در آن و در نهایت همگون‌سازی حضور^۶ و یک‌شکل‌سازی فضا از طریق حذف تفاوت‌های فضایی است [۶، ص ۱۲۷]. قلمرویی عمومی چون بوستان شوش که در آن به‌واسطه مشخصه‌های فضایی- از جمله موقعیت قرارگیری آن، شکل‌گیری تدریجی الگوی حضوری مردانه در درون آن و نشانه‌دار شدن آن به‌منزله فضایی آسیب‌زا- جدایی‌های جنسیتی اغلب به چشم می‌خورد، عرصه‌ای است که در آن جنسیت مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده حضور یا عدم حضور افراد در فضا است.^۷

بوستان شوش با توجه به موقعیت و اقتضای مکانی‌اش (قرارگیری در اطراف میدان شوش و کاربری‌هایی که اغلب مردانه‌اند) واجد عناصر اجتماعی و فرهنگی‌ای است که براساس روابط قدرت^۸ یک جنسیت غالب، که اغلب مرد است، شکل می‌گیرد. فضا پیش از هرچیز مفهومی اجتماعی است؛ که درگیر اختصاص دادن مکان‌های تصرف‌شده به روابط اجتماعی بازتولید^۹، یعنی روابط بیوفیزیولوژیکی بین جنس‌ها^{۱۰}، سنین^{۱۱} و روابط تولید یعنی تقسیم کار و سازمانش سازمانش است [۱۷، ص ۱۸۶]. فضا در خوانش فوکویی جایی است که گفتمان‌های قدرت و دانش به مناسبات واقعی قدرت تبدیل می‌شود [۹]. بر همین اساس، به تعبیر فوکو فضا در هر شکلی از زندگی اجتماعی مقوله‌ای بنیادی است، زیرا چنان‌که می‌گوید فضا اساس هر اعمال قدرتی است [۲۱]. بررسی و کشف روابط پنهان قدرت در مناسبات اجتماعی و فضایی و درک

1. spatial competition for the presence

2. eject

3. competition process

4. segregation of sexes

5. domination

6. assimilation of presence

۷. البته نباید متفاوت بودن کیفیت حضور زنان در فضاهای عمومی را صرفاً به فضا تقلیل داد و در رابطه با آن

فهمید. برای تحلیل جامع پیش از تحلیل‌های فضایی باید به زمینه و مناسبات تاریخی و فرهنگی جامعه‌مان-

که شهر، فضا و جنسیت هریک نمود و پدیدار این زمینه‌ها و مناسبات هستند- توجه شود. دو مفهوم فضا و

جنسیت هریک برساخته اجتماعی و دقیق‌تر حاصل مناسبات اجتماعی‌اند. تحلیل ربط و روابط جنسیت و فضا

بدون در نظر گرفتن زمینه‌ای که هر دو مفهوم را برساخته است، نمی‌تواند کیفیت فضاهای عمومی شهری را

بهبود بخشیده و در بهترین حالت صرفاً به‌مثابه توصیف وضعیت نامطلوب موجود در فضا تلقی می‌شوند.

8. power relations

9. social relations of reproduction

10. sexes

11. ages

وضعیت حضور افراد در بوستان شوش از نمونه موضوعات اساسی مرتبط با جنس^۱ و جنسیت^۲ در فضاهای شهری است. شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر حضور گروه زنان از خلال مصاحبه‌های میدانی و تحلیل چگونگی دریافت آن‌ها از منطق حضوری در بوستان شوش به واسطه حضور سایر گروه‌های اجتماعی، می‌تواند ما را با لحاظ داشتن مؤلفه‌های شناسایی شده به راه‌کارها و سیاست‌های اجرایی رهنمون شود؛ سیاست‌هایی که با فراهم‌آوری امکان تحقق انتظارات فضایی و ذهنی گروه‌های مختلف، به‌ویژه گروه زنان، در نهایت باعث تقویت ظرفیت‌های پاسخ‌دهی فضای بوستان می‌شود. از این‌رو، پژوهش پیش رو با تلاش برای پاسخ به این سؤال که «چه مؤلفه‌هایی حضور گروه زنان در فضای بوستان شوش را متأثر می‌کند؟»، سعی در شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های جنسیتی و نسبت آن‌ها با شیوه‌های متفاوت حضور افراد در بوستان و ارائه پیشنهادهایی دارد که در نهایت بتواند وضعیت حضور گروه‌های مختلف در بوستان را بهبود بخشد و به واسطه تقویت حضورهای ناهمگون، تفاوت‌های فضایی و متعاقباً حیات و سرزندگی در بوستان شوش را رقم بزند.

پیشینه تحقیق

امروزه در متون شهری مباحث جنسیت و چگونگی تأثیرگذاری آن بر ادراک و فهم افراد مختلف از فضاهای شهری اهمیت زیادی یافته است؛ اینکه جنسیت‌های مختلف در شهر و گاهی در یک فضای مشترک چگونه باعث شکل‌گیری تجربه‌ای متفاوت می‌شود. با بررسی این مسئله، توجه به این موضوع جلب می‌شود که شهرها ما را به‌عنوان جنسیت‌های متفاوت به طرق مادی اداره می‌کنند و تجربه شهری ما را به‌مثابه خود ما شکل می‌دهد [۳]. فرن تانکیس در کتاب *فضا، شهر و نظریه اجتماعی* به بررسی و تشریح فضاهای متجسم و موضوع جنسیت در شهر می‌پردازد و با بیان اینکه بررسی و حل و فصل موضوع جنسیت در شهر تا اندازه‌ای مسئله درک و تسهیل زمینه‌های حضور افراد در فضا است، رابطه کنش متقابل مناسبات اجتماعی، شکل‌های مادی و موضع‌های ذهنی^۳ در شهر را برجسته می‌کند. وی معتقد است که تقسیم اجتماعی و استیلا^۴ با محیط‌های شهری تقویت می‌شود و انتظام فضایی به تولید ساخت‌های تفکیک جنسی و رفتار جنسیتی کمک می‌کند و همچنین در بیان هویت، آن‌ها را صراحت می‌بخشد. تانکیس در نهایت چنین نتیجه می‌گیرد که تفکر درباره جنس و ویژگی جنسیتی، تفکر درباره کنش متقابل فضایی، تفکیک اجتماعی و به‌همبستگی‌های نمادین^۵ در

-
1. gender
 2. sexuality
 3. subjective positions
 4. social division and dominance
 5. symbolic associations

عرصه‌های شهری است [۳]. ضابطیان و رفیعیان در «درآمدی بر فضاهای امن شهری با رویکرد جنسیتی» چنین استدلال می‌کنند که زنان و مردان فضاهای شهری را به شیوه‌های متفاوتی تجربه می‌کنند. بدین معنا که زنان به‌طور یکسان با مردان از فضاهای شهری بهره‌مند نمی‌شوند و اگرچه فضاهای شهر براساس قانون به روی همه باز است، در موارد بسیاری زنان توسط پیغام‌های پنهانی که از جانب افراد حاضر در فضا یا خود فضا دریافت می‌کنند، درمی‌یابند که اجازه ورود به فضاها را ندارند. این قبیل ملاحظات بر چگونگی بهره‌مندی زنان از فضاهای شهری تأثیر می‌گذارد. نویسندگان در این نوشتار چنین بیان می‌دارند که با مداخله‌های فیزیکی و اجتماعی به صورت موازی می‌توان محیط عمومی و فضاهای شهری را تحت تأثیر قرار داد و میزان بهره‌مندی زنان از این فضاها و درک آن‌ها از محیط پیرامونشان را ارتقا بخشید و امکان حضور در شهر را فراهم آورد [۸]. حضوری که، آن‌چنان‌که کار و همکاران بیان می‌دارند، فعال^۱ و مؤثر در فضاست [۱۸] و باعث تقویت جریان حیات در فضاهای شهر می‌شود.

رضازاده و محمدی در «بررسی عوامل محدودکننده حضور زنان در فضاهای شهری»، دسترسی زنان به فضاهای شهری را یکی از چندین حقوق شهروندان در شهر قلمداد می‌کنند و نیاز به حضور در فضا را برای همه گروه‌ها، فارغ از جنسیت، سن، سطح درآمد و شغل، امری ضروری تلقی می‌کنند. نویسندگان با بیان اینکه حضور برابر در فضاهای شهری امروزه یکی از مؤلفه‌های کلیدی شهروندی کثرت‌گرا^۲ است، به بررسی ساختار کالبدی و هنجارهای اجتماعی فرهنگی می‌پردازند که بر کاهش حضور زنان در فضاهای شهری تأثیرگذارند و در نهایت حضور زنان در فضاهای شهری را، که بدین شکل فرصت‌های مشارکت را فراهم می‌آورند، یکی از پیش‌نیازهای اساسی شکل‌گیری مدنیت در جامعه شهری می‌دانند [۵]. ابادری و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره»، با بهره‌گیری از مصاحبه با ۴۰ زن ساکن شهر تهران و خوانش جامعه‌شناختی و نگرش مطالعات فرهنگی به وضعیت زنان و اتخاذ نگاهی مسئله‌محور به تجربه زنانه در شهر، به بررسی و تحلیل میزان احساس ناامنی براساس جنسیت‌های مختلف می‌پردازند و چنین بیان می‌دارند که اگرچه ممکن است فضاهای شهری مخاطرات گوناگونی را برای اقشار اجتماعی مختلف ایجاد کند، به نظر می‌رسد زنان به‌واسطه جنسیتشان تجربه ویژه‌ای از احساس ناامنی از زندگی در حضور فضاهای شهری داشته باشند و این تجربه در میان گروه‌های مختلف زنان و در طبقات اجتماعی مختلف برخی ویژگی‌های مشترک دارد [۱].

1. active presence in space
2. pluralist citizenship

روش‌شناسی تحقیق^۱

با توجه به هدف تحقیق، این پژوهش از روش‌شناسی کیفی و از شیوه‌هایی چون مراجعه به میدان، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق و مشاهده مشارکتی برای گردآوری داده‌ها بهره گرفته است. محققان در جریان مصاحبه با در نظر گرفتن تأثیر مقوله و عامل جنسیت در انتخاب افراد برای حضور در فضا با ارائه دال‌هایی در مورد مؤثر بودن یا نبودن مؤلفه جنسیت در فضای بوستان شوش به مصاحبه‌شونده از او خواسته‌اند تا دال‌ها را در رابطه با فضای مذکور معنا کند و شرح دهد. بدین ترتیب، با ارائه قرینه و نشانه‌هایی مبنی بر مؤثر بودن مؤلفه جنسیت بر حضور افراد در فضای بوستان می‌توان در لابه‌لای گفت‌وگوهایشان مجموعه معنایی را که افراد به دال‌های عرضه‌شده می‌دهند نشان داد. کیفیت و میزان حضور گروه زنان در بوستان، انتخاب فضای بوستان برای اوقات فراغت در ساعات مختلفی از روز، طرد^۲ و شمول^۳ فضا به واسطه حضور سایر گروه‌های اجتماعی و امنیت فضای بوستان از وجوه مختلف دال‌های ارائه‌شده به مصاحبه‌شوندگان است. ویژگی اصلی روش‌شناسی کیفی، استفاده از دیدگاه‌های کنش‌گران اجتماعی و تجربه زیسته گروه‌های مخاطب است که در این تحقیق با توجه به موضوع مطالعه‌شده، زنانی که به شیوه‌های حضوری و غیرحضوری با بوستان شوش ارتباط و تجربه فضایی مرتبط با این فضا را داشته‌اند، کنش‌گران اصلی و گروه‌های مورد بررسی این تحقیق‌اند.^۴ تعداد نمونه در این تحقیق، با توجه به اینکه پژوهش کیفی است، از فرمول مشخص و واحدی تبعیت نمی‌کند، بلکه معیار توقف نمونه‌گیری اشباع و کفایت نظری است. بر این اساس، نمونه‌گیری و افزودن بر اطلاعات هنگامی پایان می‌یابد که اشباع و کفایت نظری یک مقوله یا گروهی از موارد حاصل شود؛ یعنی دیگر چیز جدیدی به دست نیاید [۱۱]. درباره قابل اعتماد بودن روش‌شناسی پژوهش از شیوه‌های مختلف از جمله روش مشاهده و

۱. پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از مبنای نظری برای تحلیل فضای بوستان شوش، پس از ورود به فضا به هیچ‌یک از آن‌ها وفادار نمانده و بیشتر تلاش خود را متوجه شناسایی ذهنیت زنان شهری تهرانی از ورای تجربه‌های زیسته مستقیم و غیرمستقیم آنان و گزارش‌های فضایی به‌دست‌آمده از آن کرده است. در قسمت‌هایی که مفاهیم برآمده از تجربه زیسته زنان با مفاهیم نظری خاصی هم‌خوانی داشته‌اند، صرفاً به‌منزله نشانه‌ای برای تصدیق نظری در طول تحقیق بوده است.

2. exclusion

3. inclusion

۴. به‌طور کلی، روش‌شناسی کیفی دیرزمانی است که ادعای قابل تعمیم بودن را فرو نهاده است. بدیهی است که نمونه جمعیتی ۲۱ نفری نمی‌تواند نمونه جامعی از زنان ساکن در شهر تهران باشد. از این‌رو، نتایج حاصل از مصاحبه‌ها در نوشتار پیش رو قابلیت تعمیم ندارند. البته این را نیز نباید از نظر دور داشت که یافته‌های حاصل از فضای بوستان شوش در مقام تجربه فضایی می‌تواند در فضاهایی که منطبق حضوری در آن مشابه این فضا است، برای تحلیل الگوهای رفتاری و حضوری در آن مورد استفاده قرار گیرد.

مصاحبه‌های فردی و گروهی در موقعیت‌های مختلف کمک گرفته شده و درخصوص قابلیت اطمینان نیز متن مصاحبه‌ها پس از مکتوب‌شدن مقوله‌بندی شدند. مقوله‌بندی داده‌ها نیز زیر نظر استادان و افراد آشنا با روش‌شناسی کیفی انجام گرفت.

برای تکمیل و تدقیق مشاهدات با ۲۱ نفر از افرادی که در دوره‌های زمانی مختلف به شیوه‌ای با بوستان شوش ارتباط داشته و فضا را تجربه کرده‌اند، مصاحبه‌هایی انجام گرفت. انتخاب افراد در فضا به گونه‌ای انجام شد که یافته‌های حاصل‌شده از تجارب آن‌ها بازنمون منطق ارتباطی فضای بوستان شوش باشد. زمان مصاحبه‌ها برای هر نفر حداقل ۱۵ و حداکثر ۴۰ دقیقه به طول انجامید. مصاحبه‌های ضبط‌شده، پس از مکتوب‌شدن، چندین مرتبه با دقت بررسی و بازنگری شد و درنهایت به شیوه تحلیل محتوا، دلالت‌های صریح و ضمنی در گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، بر مبنای هریک از سویه‌های تحلیلی فضای بوستان شوش، استخراج شد. در تحلیل محتوایی، مفهوم‌ها از داده‌ها سرچشمه می‌گیرند و پژوهش‌گر به دنبال یافتن مفاهیم مشترک در داده‌هاست. زمانی که مفاهیم از داده‌ها به‌دست آمد، باید تا حدی پشتیبانی نظری یا محتوایی از آن‌ها انجام گیرد. بخش بحث و نظر درباره یافته‌ها در راستای تکمیل و پشتیبانی نظری از انگاره‌های ذهنی مصاحبه‌شوندگان درباره بوستان شوش است. انتخاب‌شدگان برای مصاحبه در گروه‌های سنی، جنسیتی، تحصیلاتی و طبقاتی متفاوتی قرار داشتند: تعداد ۱۰ نفر از بانوان ساکن محله‌های پیرامون بوستان، از جمله محله هرنندی و کوثر، ۳ نفر از زنانی که تجربه‌ای در رابطه با فضای بوستان داشتند، ۶ مرد و ۲ دختر جوان و دانشجو. هریک از گروه‌های مذکور به‌واسطه جنسیتشان- زن یا مرد بودن- به دنبال حضور در بوستان شوش، تجربه فضایی نسبتاً مشابهی داشتند و هریک از نگاه و زاویه‌ای متفاوت مفاهیم مشترکی را روایت می‌کردند. در این نوشتار، مصاحبه‌ها پس از نفر بیست و یکم، با توجه به آنکه نتایج جدیدی حاصل نمی‌شد، متوقف شد.

یافته‌های پژوهش

هراس از ورود به فضای بوستان: روابط فضایی در بوستان شوش به گونه‌ای است که باعث شکل‌گیری شیوه‌های حضوری یک‌دست و الگوهای رفتاری مشابه می‌شود. این شیوه از حضور، که به‌واسطه فضا تفاوت‌های رفتاری را پس می‌زند، باعث حذف تدریجی گروه‌هایی می‌شود که رفتار و شیوه حضور آن‌ها مشابه الگوی رفتاری و حضوری فضای بوستان نیست. این شکل از تجربه فضایی، که در آن تفاوت و تمایز به چشم نمی‌خورد، موجب شکل‌گیری احساس هراس و ناامنی برای زنان و گروه‌هایی می‌شود که به واسطه جنسیتشان مغایر با منطق حضوری بوستان تلقی می‌شوند. دریافت فضای بوستان در این معنا از جانب زنان، که احساس هراس را بازتولید می‌کند، علاوه بر وجه انضمامی، وجه انتزاعی و ذهنی دارد که با ایجاد زمینه‌های سلطه‌یافتن یک جنسیت خاص در فضای بوستان درنهایت موجب طردشدن زنان می‌شود. در این معنا،

زنانی که در بوستان حضور پیدا می‌کنند اغلب از نظر ذهنی احساس ناامنی و هراس می‌کنند؛ تو گویی که عناصر فضایی و گروه‌های حاضر در بوستان به گونه‌ای هستند که هر لحظه ممکن است فرد حاضر در فضا را به واسطه داشتن جنسیت مشخص با خطر یا آسیب مواجه کند. مریم ۲۹ ساله درباره حس هراس و ترس، که به دنبال ورودش به بوستان شوش در یکی از روزهای تابستانی به وجود آمده است، چنین می‌گوید:

من هر وقت وارد این پارک می‌شم باور کنید هر لحظه احساس می‌کنم الانه که یکی از پشت چنگ بزنه بهم. هیچ وقت احساس خوبی نداشتم هر بار که در پارک شوش حضور داشتم. وقتی اینجام، همیشه یه حس ترس در من وجود داره. شایدم این حس الکی باشه‌ها، ولی همیشه خب تو وجودم هست. یه حسی که نمی‌دونم از کجا می‌آد باعث می‌شه من کمتر بیام به این پارک.

احساس بی‌دفاعی زنانه: زندگی روزمره، به مثابه شکل اصلی از تجربه بودن^۱ در شهر، اغلب در قالب فعالیت‌ها و الگوهای رفتاری جنسیتی معنا می‌گیرد. در این معنا، تجربه زیسته گروه‌های مختلف و شیوه‌های متفاوت حضور آن‌ها در فضای شهری به واسطه جنسیتشان در فضا بازنمایی می‌شود. در بوستان شوش داشتن ویژگی فیزیولوژیکی زنانه باعث شکل‌گیری حس بی‌دفاعی در برابر سایر گروه‌های حاضر در فضا می‌شود و متعاقباً تجربه فضایی را رقم می‌زند تا آن‌ها کمتر در فضای بوستان حضور یابند. زهرا ۳۳ ساله، که ساکن محله کوثر است، در این باره می‌گوید:

شما هیچ وقت نمی‌تونید درک کنید من چی می‌گم. وقتی که یک زن وارد پارک شوش می‌شه، باید هر لحظه حواسش جمع باشه که نکنه یکی از گوشه‌ای دربیاد و حمله‌ور بشه به سمتش. وقتی من گذرم به این پارک می‌افتم، همیشه سعی می‌کنم زودتر رد بشم و زیاد داخل پارک نمونم. چون پارک طوریه که اگر زیاد بمونی، چون زن هستی، حتماً برات دردسر درست می‌کنن.

فضاهای دوگانه لذت^۲ و وحشت^۳: بوستان شوش برای گروهی از افراد، به ویژه مردها، فضایی دنج محسوب می‌شود که بدین طریق می‌توانند چنان که خود می‌گویند با خیال راحت و بدون اینکه کسی کاری به کار آن‌ها داشته باشد، از بودن در بوستان لذت ببرند. رضا ۴۱ ساله، که همواره در بوستان حضور دارد و اینجا پاتوق او و دوستانش است، چنین می‌گوید:

اینجا خیلی جای خوبیه. فضای کوچک و جمع و جوریه. اون‌هایی که می‌آن اینجا همه شبیه هم‌اند. زیاد شلوغ نیست. نمی‌تونن بهت گیر بدن و اذیتت کنن. می‌تونی یه گوشه‌ای برای خودت بشینی لذت ببری. من زیاد می‌آم اینجا. برای خودم می‌شینم ظهر و غروب‌ها. بعضی وقت‌ها هم با اون‌هایی که اینجا هستن می‌شینیم شطرنج و منج بازی می‌کنیم. برای این کفترها دون می‌آریم می‌ریزیم. جمع می‌شن.

1. experience of being in the city
2. delight
3. dread



شکل ۱. پاتوق شدن فضای بوستان برای مردان و تبدیل به خودی و غیر خودی شدن فضای آن

در مقابل برای گروهی دیگر از افراد، به‌ویژه زنان، بوستان شوش فضایی است همراه با ترس و رعب. این گروه از افراد ترجیح می‌دهند برای حضور همواره کسی را به همراه خود داشته باشند. گاهی حضور زنان به‌تنهایی در این فضا، «حضور نمادین» تلقی می‌شود. شکوفه ۳۶ ساله یکی از زنانی که ساکن محله هرنندی است، چنین می‌گوید:

من از این فضا کم استفاده می‌کنم. راستش من هیچ‌وقت جرئت نمی‌کنم تنهایی وارد این پارک بشم. همیشه سعی می‌کنم یکی همراهم باشه در مواقعی که می‌آم اینجا. چون می‌دونید چیه؟ این پارک طوریه که زن‌ها خوششون نمی‌آد و کمتر می‌آن اینجا. از این نظر وقتی که یه زن تنها داخل پارک باشه، خودبه‌خود مردهایی که داخل پارک نشستن درباره این زن یه جورهایی انگار فکر بد می‌کنن و به خودشون حق می‌دن که مزاحمت بشن. برای همین، اصلاً فضای خوبی نیست. گوشه‌وکنار این پارک همین‌طور مردها جمع شدن. هر ساعت از روز هم که بخوای اینجا استفاده کنی، باز یه جورهایی مزاحمت ایجاد می‌کنن برات. من ترجیح می‌دم که کلاً نیام تو این فضا. چون به دردسرش نمی‌ارزه. سعی می‌کنم برم یه پارک دیگه. تو یه منطقه دیگه. به‌ویژه وقتی که بخوام بچه‌هام رو برای استراحت و تفریح ببرم پارک. اینجا اصلاً وضعیت مناسبی نداره. به‌ویژه برای ما زن‌ها و بچه‌هامون.



شکل ۲. وجود گوشه‌های ناامن در بوستان که منجر به طرد زنان از فضای آن می‌شود

آسیب‌پذیری جنسیتی و پردشدگی نمادین: آزار و اذیت جنسیتی و به دنبال آن بی‌حضور و درواقع پردشدگی به گونه‌ای نمادین در مقیاس محلی یکی از مؤلفه‌هایی است که زنان در مصاحبه‌های خود به آن اشاره داشتند. نرگس ۳۵ ساله یکی از ساکنان محله هرندی می‌گوید:

من دلم می‌خواد برم جایی که فضای سبز داشته باشه که بتونم چند دقیقه بشینم و استراحت کنم. با وجود اینکه پارک شوش خیلی نزدیکه به خونه‌مه، ولی می‌رم به جای دیگه. می‌رم پارک ولیعصر. چون واقعیتش اینه که تو این پارک اصلاً برای زنان امنیت نیست. نه تنها این پارک، که کلاً تو منطقه ۱۲ و این محله‌ها پارک‌ها اصلاً امن نیستن. به عنوان مثال پارک هرندی، بهاران و حقانی هم همین‌طوری‌ان. چند وقت پیش دیدین که چه اتفاقی افتاد. من بیشتر ترجیح می‌دم تو این فضاها حضور نداشته باشم و برای اوقات فراغت و تفریح اغلب می‌رم بیرون از منطقه. اونجایی که اذیت نشم. که البته همه‌جا همین جوریه کم‌وبیش.

لیلا ۴۰ ساله یکی دیگر از بانوان اهالی محله پیرامون بوستان چین می‌گوید:

من بیش از سی ساله تو این محله می‌شینم. در این مدت به‌خوبی شاهد این بودم که وضعیت پارک شوش روزبه‌روز بدتر شده، به گونه‌ای که به‌عنوان یه پارک محلی هر روز به شیوه‌های مختلف، از طراحی کالبدی گرفته تا افرادی که تو این فضا جمع می‌شن، زمینه کمتری رو برای حضور زن‌ها فراهم آورده. امروز نسبت به گذشته به‌طور کلی در سطح شهر فضاهای بیشتری به وجود اومده که زن‌ها می‌تونن از این فضاها استفاده کنن. ولی با این وجود اگر نظر من رو بخواید، باز می‌گم فضاها عمومی شهری برای زن‌ها مثل مردها فراهم نیست. همین پارک شوش رو شما در نظر بگیرید. من در این همه سالی که تو این محله زندگی کردم هیچ‌وقت نتونستم با خیال راحت از این فضا استفاده کنم. با اینکه من به خیلی از مزاحم‌هایی که در این فضا وجود دارن اصلاً توجه نمی‌کنم.

ترس از ابژگی جنسی: کسانی که در فضای بوستان می‌چرخند معمولاً به زن‌هایی که در این فضا حضور می‌یابند به چشم بد نگاه می‌کنند. عاطفه ۳۴ ساله که ساکن محله هرندی است، در این باره چنین می‌گوید:

پارک شوش پاتوق مردهاست. افرادی که هر کدومشون به نوعی یه مشکل یا مسئله‌ای دارن که جامعه این افراد رو نمی‌پذیره. من تو این فضا کمتر زن دیدم که بیاد و بخواد با خیال راحت از پارک استفاده کنه. معمولاً زنی که می‌آد تو این پارک یه جورهایی اذیت می‌شه. خب البته کی می‌آد این پارک؟ چرا بیاد این پارک؟ چی داره این پارک که یک زن بخواد بیاد وقتش رو بگذرونه اینجا؟ من خودم ترجیح می‌دم خونه بشینم با بچه‌ام ولی نیام تو این پارک. چون نه تنها فضای فراغتی نیست، بلکه کلی بدآموزی هم داره برای بچه‌ام این پارک و رفتارهایی که تو این فضا شکل می‌گیره. این

پارک طوری از طرف این مردها تصرف شده که من همیشه از رفتن به اینجا حس بد دارم و احساس می‌کنم نباید برم داخل پارک و خودبه‌خود از رفتن به این پارک منصرف می‌شم.

کاربری‌های تک‌جنسیتی: کارکرد و عملکرد فضاهای پیرامون و درون بوستان شوش در میزان حضور زنان در این فضا تأثیرگذار است. مجموعه کاربری‌هایی که پیرامون بوستان واقع شده‌اند، از نظر نیروی کار، جنس فعالیت و مصرف‌کنندگان فضا، به گونه‌ای هستند که فضای محدوده آن را به فضایی مردانه تبدیل می‌کنند. از جمله کاربری‌هایی که حضور زنان در بوستان را متأثر می‌کند می‌توان به تالار پذیرایی در ضلع غربی، که طبق گفته نگهبان بوستان و مسئول تالار به خانه بهاران تبدیل شده، مددسرای منطقه ۱۲ در ضلع شرقی، جایگاه گاز طبیعی و پمپ بنزین در ضلع شرق و شمال شرقی و فعالیت‌های خدماتی، تعمیرگاهی، گل‌فروشی، در خیابان‌های بلافضل بوستان از جمله خیابان صاحب‌جمع، ری و انبار گندم اشاره کرد. کاربری‌های ذکرشده در واقع در زمره فعالیت‌های ضروری تلقی می‌شوند که اغلب از نوع فعالیتی، مردانه محسوب می‌شوند. بوستان شوش برای افرادی که در این محدوده فعالیت می‌کنند یا برای انجام‌دادن کارهایشان می‌آیند به نوعی ایستگاه و توقف‌گاه تبدیل شده است. قرارگرفتن بوستان در محدوده کاربری‌هایی که تک‌جنسیتی هستند و متعاقباً غالب‌شدن کارکرد توقف‌گاهی بر آن، هرچه بیشتر از کارکرد شمولیت عمومی آن- که حضور عادلانه ساکنان محله‌های پیرامون را رقم می‌زند- کاسته است. مرضیه ۳۰ ساله یکی از زنان ساکن محله کوثر در این باره که به‌طور کلی محدوده بوستان شوش محدوده‌ای مردانه است چنین می‌گوید:

به نظر من برای اینکه دقیق‌تر وضعیت حضور زنان در پارک رو بفهمیم باید به دو دسته از عوامل اشاره کنیم. یک‌سری از عوامل که بیرون پارک قرار دارن و یک‌سری از عوامل دیگه که داخل پارک قرار دارن. به نظر من فعالیت‌های خیابان‌های ری و صاحب‌جمع طوری هستن که بیشتر این محدوده رو مردونه کرده‌ان. یعنی اینکه جنس این فعالیت‌ها طوری که بیشتر مردونه‌ست. تو این خیابون‌ها اصلاً خونه‌ای نیست که آدم توش زندگی کنه. کل خیابون‌های اطراف پارک طوری‌ان که مسکونی نیستن. بیشتر تعمیرگاه و لاستیک‌فروشی و گل‌فروشیه. برای همین شما تو این فضاها کمتر می‌بینید که زن‌ها حضور داشته باشن. پارک شوش هم چون به‌عنوان فضای باز تو این محدوده‌ها قرار داره از این نظر به‌تدریج فضای مردونه می‌شه تا جایی برای اوقات فراغت زنان یا بچه‌ها. مردونه بودن پارک رو اگه چندبار برید داخلش به‌خوبی متوجه می‌شید. جلوی پارک که ایستگاه تاکسیه. به نظرم کلاً جای این پارک اصلاً مناسب نیست. برای همین خیلی وقت‌ها خلوته یا کسی توش نیست. یا اون‌هایی هم که تو پارک هستن، نیومدن که برن پارک بشینن. این اطراف کار داشتن. رفتن چند دقیقه بشینن تا کارشون راه بیوفته.

محمد ۳۰ ساله، مدیر دفتر خدمات نوسازی محله شوش برای تحلیل حضور زنان به کاربری‌های پیرامون بوستان تأکید می‌کند و چنین می‌گوید:

کاربری‌های اطراف پارک حضور مردها رو بیشتر تقویت می‌کنه. حضور زن‌ها در قسمت پایین میدون شوش، که بازار بلورفروشی‌هاست، بیشتر به چشم می‌خوره و در داخل پارک، چنان‌که به‌خوبی می‌تونید خودتون ببینید، حضور زنان در بهترین حالت، حضور گذراست. در این صورت هم حضور زن‌ها مثل سایر پارک‌ها نیست که مثلاً زن‌ها بیان و بشینن داخل پارک و این حضورشون باعث شکل‌گیری روابط اجتماعی بشه داخل پارک. اساساً در این شکل، مفهوم حضور رو نمی‌شه به‌عنوان متغیری دید که باعث سرزندگی پارک بشه. چون فضای پارک تو این شکل از حضور، مقصدی برای نشستن و اوقات فراغت نیست. بلکه فقط یه مسیر عبوریه. فضایی هم که بدین شکل باشه، کمتر می‌تونه برای گروه زن‌ها جذاب باشه.



شکل ۳. کاربری‌های تک‌جنسیتی پیرامون بوستان شوش

توزیع جنسیتی فضایی-زمانی: در یک زمان بندی کلی، می‌توان زمان حضور افراد در بوستان شوش را به دو زمان شلوغ و خلوت تقسیم کرد. آن چنان که از مشاهده‌ها و مصاحبه‌ها حاصل آمد، رفتار زنان در زمان‌های شلوغ و خلوت در قالب حضور نمود متفاوتی می‌یابد؛ هنگامی که بوستان خلوت است، کمتر از زمانی است که شلوغ است. البته بررسی الگوهای حضور افراد در این فضا نشان می‌دهد که چه در هنگام حضور جمعیت و چه در شرایطی که بوستان خلوت است، حضور زنان کمتر به چشم می‌خورد. الهام ۲۵ ساله یکی از دختران جوان چنین می‌گوید:

می‌دونید چیه. من به تجربه خودم دریافتم که تو پارک‌ها وقتی آدم‌های دیگه زیادن بری کمتر مزاحمت می‌شن. تو پارک شوش هم یک زن بهتره که در یک ساعت مشخصی حضور داشته باشه. یعنی زمانی که پارک شلوغه. مثلاً در عصرها. در این شرایط کمتر پیش می‌آد که کسی مزاحمت بشه. چون آدم‌های دیگه تو پارک هستن به‌رحال و حضور آدم‌های دیگه باعث می‌شه که زنی که می‌ره تو پارک یه ذره احساس امنیت بکنه و با خیال راحت تو فضای پارک بشینه. اما این پارک معمولاً خلوته و تو ساعت‌های شلوغ اون‌هایی هم که هستن بیشتر مردن. برای همین من سعی می‌کنم کمتر برم. چون واقعاً از شما چه پنهان وقتی که یه جایی خلوت باشه، آدم ته دلش هی می‌ترسه که نکنه یه اتفاقی بیوفته براش یا کسی مزاحمش بشه. بیشتر می‌ریم پارک‌های بیرون از محله. و معمولاً با دوست‌هامون می‌ریم.



شکل ۴. زمان‌های شلوغ و خلوت در بوستان

نظم فضایی مذکر: چگونگی بازنمایی فضا پیامدهایی برای چگونگی استفاده از آن دارد. اینکه یک فضا به چه منظورهایی، از سوی چه کسانی، چه زمانی و چرا استفاده می‌شود، در میزان حضور زنان در فضا تأثیرگذار است. فاطمه ۳۴ ساله دربارهٔ اینکه فضای بوستان شوش توسط گروه‌های مردان و اغلب معتاد به اشغال درآمده که هر وقت یک زن وارد آن می‌شود مورد آزار و اذیت و چشم‌چرانی قرار می‌گیرد، چنین می‌گوید:

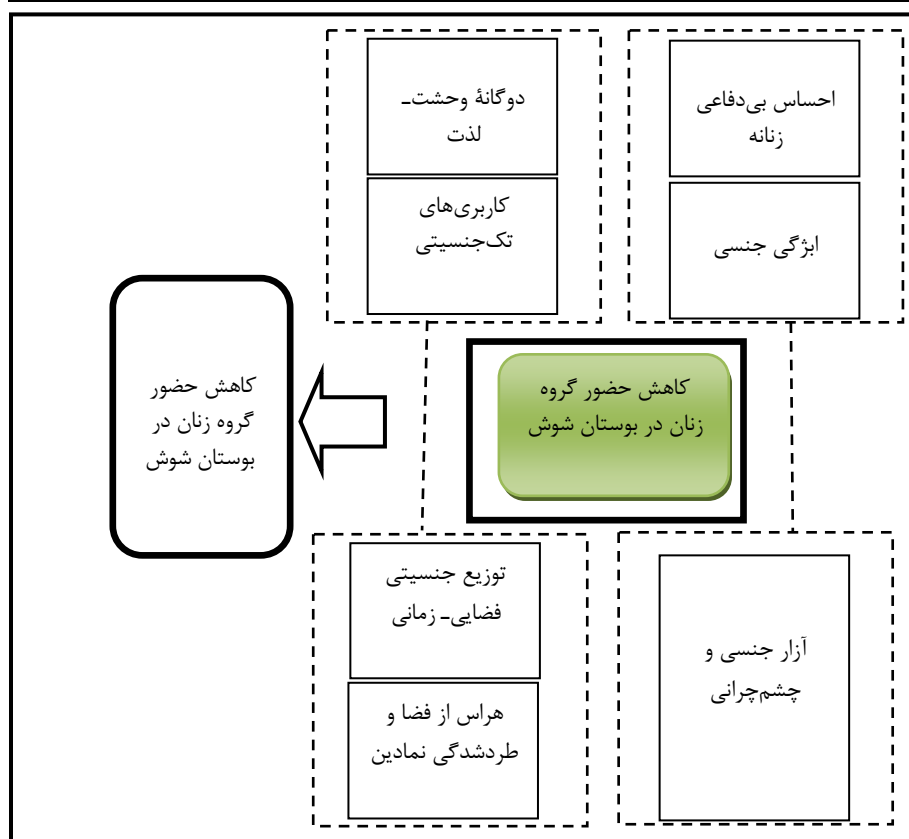
پارک شوش جاییه که چون معمولاً نظارتی داخلش نیست، بیشتر این معتادها و موادفروشها داخلش جمع می‌شن. من هروقت که گذرم به این پارک می‌افتم سعی می‌کنم زیاد واینستم تو این فضا. شبها که اصلاً یک زن به تنهایی جرئت نمی‌کنه وارد این فضا بشه، چون شبها تو اون سوراخ سمبه‌ها افراد خیابان‌گرد و معتادها می‌خوابن. برای همین ممکنه حتی کار به کار آدم هم نداشته باشن‌ها، ولی خب یک زن در این شرایط می‌ترسه دیگه. دست خود ما که نیست. این هم بگم که بعضی‌ها هم هستن تو این پارک که اصلاً کاری به کار زن‌ها ندارن. تو عالم خودشون‌ان.

پریا ۲۶ ساله و دانشجو می‌گوید:

این فضا طوریه که یک نظارت پنهانی انگار داره. و وقتی یک زن وارد فضا می‌شه اون‌هایی که تو پارک هستن متوجه می‌شن. یعنی هرکسی وارد بشه اون‌ها می‌فهمن. من فضای این پارک رو اصلاً دوست ندارم. چون یه عده همیشه هستن که چشم‌چرونی می‌کنن و بعضی موقع‌ها هم متلک می‌ندازن به زن‌ها. من خودم این رو بارها تجربه کردم. چیزی هم نمی‌شه بهشون گفت. چون هر جوابی که بدی، انگار جواب مثبت دادی و حرکتشون رو تأیید کردی. هر واکنشی نشون بدی، بدتر می‌شه مزاحمت‌ها. برای همین من در این مواقع فقط سکوت می‌کنم و سعی می‌کنم زودتر از فضای پارک برم بیرون. اینجا اصلاً فضای مناسبی نیست برای زن‌ها. من هیچ‌وقت نتونستم با خیال راحت از این پارک استفاده کنم. هرچند همه پارک‌ها کم‌وبیش برای زن‌ها همین جوریند. یعنی بیشتر برای مردها طراحی شده تا زن‌ها. و زن‌ها نمی‌تونن مثل مردها هر ساعتی که دلشون خواست به دور از نگرانی و ناامنی توی پارک حضور داشته باشن. این یه مشکل اساسیه به نظرم که باید مسئولان بیشتر توجه کنن به این مسئله.

محسن ۴۳ ساله یکی از اهالی محله کوثر می‌گوید:

پارک شوش از نظر مقیاس عمل کردی، محلی نیست. اگر توجه کنید، می‌بینید پارک بین مرز چندتا منطقه قرار گرفته. بین منطقه ۱۲، ۱۵ و ۱۶ قرار گرفته. این مسئله که مقیاس پارک محلی نیست که ساکنان و اهالی که باهم آشنا هستن دور هم جمع بشن، باعث می‌شه که زنان کمتر حضور داشته باشن توی پارک. اگه پارک هویت مشخص محلی داشت، حضور زن‌ها نسبت به وضعیت حاضر طبیعتاً خیلی فرق می‌کرد و زیاد می‌شد. ولی چون مثل یه فضای بی‌نشونه، اغلب مردها حضور پیدا می‌کنن داخلش. که هر کدومشون از یه جایی اومدن. علاوه بر این، کارکرد پارک بیشتر حالت فضای سبز داره. که بیشتر برای تلطیف هوا و خنکی خوبه. دسترسی پارک هم خوب نیست زیاد. چون از هر طرف بین خیابون‌های اصلی قرار گرفته؛ خیابون‌هایی که بیشتر ساعات روز شلوغ هستن. این موضوع باعث می‌شه که بچه‌ها خیلی کم بیان داخل پارک. وقتی که بچه‌ها میان داخل پارک، خب طبیعتاً والدین اون‌ها هم کمتر می‌آن.



شکل ۵. مؤلفه‌های مؤثر بر الگوهای رفتاری و چگونگی حضور گروه زنان در بوستان شوش (مدل مؤلفه‌ها)

تحلیل و بحث یافته‌ها

جنسیت چگونه بر کارکرد و ادراک فضایی^۱ در بوستان شوش تأثیر می‌گذارد؟ چنان‌که بیان شد عوامل متعددی حضور زنان را در بوستان شوش محدود می‌کنند. عوامل کالبدی و هنجارهای غالب اجتماعی و فرهنگی شکل‌دهنده روابط فضایی در هر جامعه‌ای از این دست عوامل هستند. فضای بوستان شوش براساس روابط و مناسبات درون‌فضایی به گونه‌ای شکل گرفته که به‌ویژه برای گروه زنان آن‌چنان‌که باید خاصیت دعوت‌کنندگی ندارد. امکاناتی که در این فضا وجود دارد از جمله زمین چمن مصنوعی، وسایل ورزشی رنگ و رو رفته، فضای سبز کنده‌کاری‌شده و آسیب‌دیده و... هیچ‌انگیزه‌ای در زنان برای حضور در فضا ایجاد نمی‌کند. محدودیت‌های مذکور در بوستان شوش به لحاظ فیزیکی در قالب طراحی و فرم‌دهی به فضا با

1. spatial perception

القای الگوهای حرکتی و دسترسی محدود شده که در واقع بازنمایی فضایی انگاره‌های تاریخی و اجتماعی درباره نقش زنان در جامعه شهری است^۱ [۱۳]. نوع چیدمان و ویژگی‌های کالبدی بوستان شوش نیز به تبع حضور بیشتر و تاریخی مردها در این فضا و به‌رغم تأکید سیاست‌های به دور از واقعیات فضایی مدیریت شهری بر عدالت جنسیتی، تا حدی از معیارهای زیبایی‌شناختی زنانه بی‌بهره مانده است. یکی از دلایل روان‌شناختی حضور کم‌رنگ زنان در بوستان شوش، که مستلزم ایفای نقش اجتماعی است، ناتوانی این فضا در پاسخ‌گویی به آن‌ها از نظر جوانب زیبایی‌شناسانه محیط و میلان شهری است. بی‌توجهی برنامه‌ریزان و طراحان شهری به ویژگی و نیازهای گروه زنان در بوستان شوش موجب جنسیتی‌شدن تدریجی این فضا و متعاقب آن از دست رفتن هویت فضایی آن شده است.

چنان‌که پیش‌تر بیان شد، فضا صرفاً یک سطح خنثی^۲ نیست که در آن عمل اجتماعی و رفتارهای روزمره انجام می‌گیرد. فضا جهانی است که ما در آن زندگی می‌کنیم، سکونت داریم، با آن وارد گفت‌وگو^۳ می‌شویم و به شیوه خودمان از آن استفاده می‌کنیم [۲۹، ص ۱۴]. به بیانی دقیق‌تر، فضا جایی است که ما در زندگی روزمره آن را زیست می‌کنیم. فضا در فرایند عمل و کنش اجتماعی^۴ تولید می‌شود و بار معنایی می‌گیرد. به بیانی دیگر، فضا به‌طور هم‌زمان هم وسیله و هم نتیجه کنش اجتماعی است [۲۸] که کیفیت حضور گروه زنان در آن منجر به تولید معنایی مبنی بر شمولیت فضایی^۵ می‌شود. به این تعبیر، می‌توان گفت فضای ارتباطی بوستان شوش پیش از آنکه یک واقعیت بیرونی باشد، واقعیتی بین‌الذهانی است که به دنبال حضور افراد در فضای آن و در ارتباطات جمعی بین سوژه‌های اجتماعی منفردی که به صورت مشابه عمل می‌کنند، معنا و شکل می‌گیرد [۲۷، ص ۲۲۲]. در بوستان شوش مناسبات فضایی به شیوه‌ای سازمان یافته‌اند که تفاوت‌های جنسیتی را در چگونگی کسب امتیاز و به‌دست آوردن قدرت از طریق حضور و بازنمایی در فضا^۶ بازتولید می‌کنند [۲۰]. اگرچه زنان در سال‌های اخیر به شکل متمایز از مردان در مطالعات شهری مورد توجه قرار گرفته‌اند، شواهد و قراین موجود و تجربه‌های زیسته^۷ زنان در شهرهای مختلف ایران بیانگر این است که دریافت، تجربه، میزان و نوع استفاده زنان از فضا نسبت به مردان متفاوت و اغلب کمتر است [۲۶]. چنان‌که بیان شد، این تفاوت در تجربه فضایی را به‌خوبی می‌توان در بوستان شوش مشاهده کرد. در استفاده از این فضا با توجه به تأثیر جنسیت، زنان به دلیل رمزهای رفتاری جنسیتی و ویژگی‌های فیزیولوژیکی که می‌تواند به نوعی دردسر فضایی^۸ را برای آن‌ها به دنبال داشته باشد، آن‌چنان‌که مردان از فضاهای شهری بهره می‌گیرند و

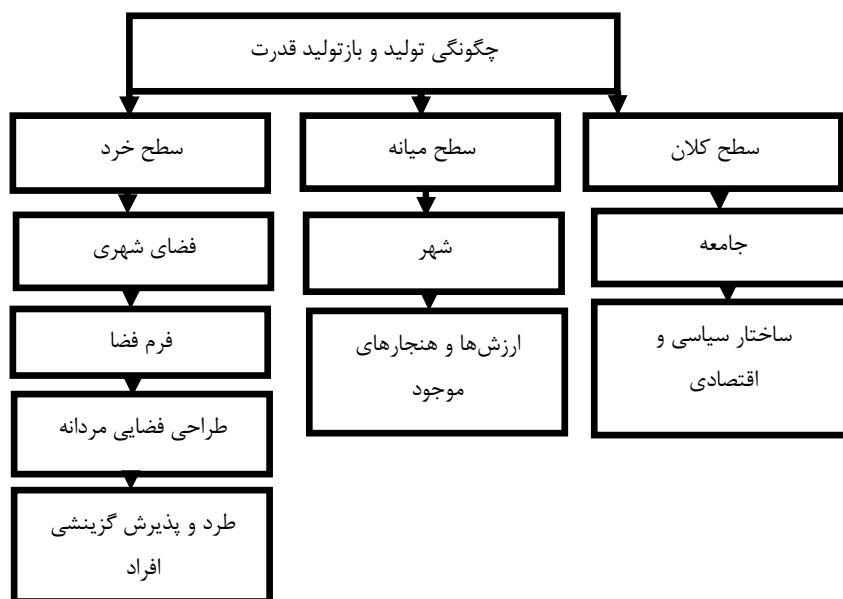
۱. بدین معنا که فضاهای عمومی مختص به مردان بوده و فضاهای خصوصی مثل خانه و فضاهای درونی مختص زنان است.

2. neutral surface
3. negotiation
4. social action
5. space inclusion
6. power of presence and representation in the space
7. lived experiences
8. spatial disturbance

در آن حضور می‌یابند، در صحنه پدیدار نمی‌شوند. محدودیت‌های ایجادشده برای زنان در بوستان شوش باعث شده است که آن‌ها نتوانند به‌خوبی از موقعیت خود بهره ببرند؛ لذا اغلب با اتخاذ نگاه مراقبتی در فضا مجبورند خود را همچون عنصر غیرلازم از متن فضای بوستان به‌منزله عرصه‌ای برای حضور و کنش بیرون کشیده و به‌تدریج منکر نیازهای فضایی^۱ خود به‌عنوان یک شهروند در این فضا شوند.

فضا، جنسیت و بازتولید قدرت در فضاهای شهری

چگونه قدرت درون فضای بوستان شوش و در ارتباط با جنسیت‌های مختلف تولید و بازتولید شده و به‌واسطه شیوه‌های مختلف حضوری در آن بازنمایی می‌شود؟ شیوه‌های مختلف حضور مردم در فضاهایی چون بوستان به کنترل حرکت در امتداد مسیرهای مجازی مربوط است که مملو از نمادهای قدرت است [۲۹، ص ۸۰]. قدرت از طریق فضا و به‌واسطه آن بر انسان‌ها اعمال می‌شود و از طریق طبقه‌بندی افراد و دادن ویژگی‌هایی به آن‌ها برحسب سن، جنسیت، نژاد، قومیت و طبقه آن‌ها را در فضایی یکسان به شیوه‌های متفاوت می‌پذیرد. مفهوم قدرت، که خود به‌نوعی نتیجه و حاصل مناسبات فضایی است، بدین شیوه به کنترل روابط و رفتارهای افراد می‌پردازد و در نتیجه بدین شکل در مقابل فضا، که در رابطه دوسویه با مفهوم قدرت قرار دارد و معنا می‌گیرد، وسیله‌ای برای کنترل و در نتیجه سلطه می‌شود [۹].



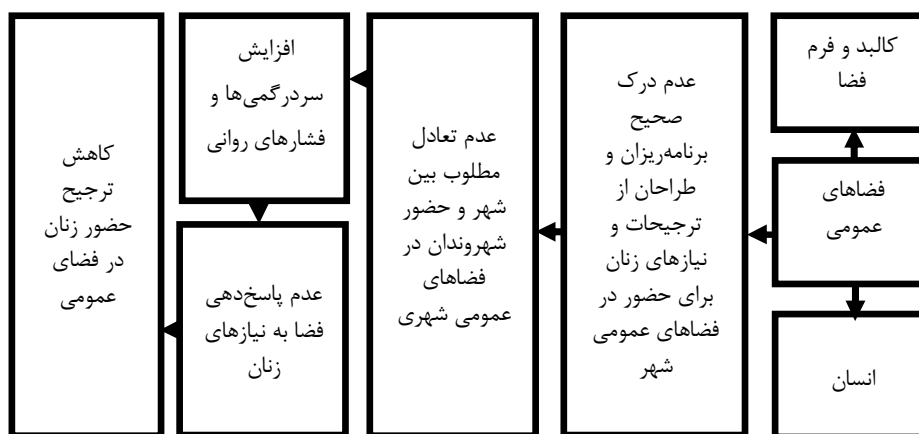
شکل ۶. فرایند تولید و بازتولید قدرت در فضای شهری در سطوح مختلف

1. spatial requirements

در بوستان شوش، سازوکار سلطه^۱ و قدرت^۲ در ارتباط با دو جنس زن و مرد به مثابه دو سویه قدرت و جنسیت شهری^۳، جهت‌دار و متفاوت عمل می‌کند؛ به گونه‌ای که اغلب در جریان تحریف نظام‌مند ارتباط [۳۰]، فضای بوستان تحت سلطه جنس مرد درآمده و به شیوه‌های مختلف از رفتارهای غیرکلامی نمادین گرفته تا تفکیک جنسیتی و ناپدیداری کامل، زنان همواره از فضا به مثابه عرصه‌ای برای عمل و کنش^۴ پس زده شده و بدین شکل جریان بازماندن از فضا در بوستان شوش همواره بازتولید می‌شود.

اینکه فضایی چون بوستان شوش چگونه ادراک می‌شود، چگونه تابع منطق، رمزاها، نظریه‌ها می‌شود، وابسته به این است که گروه‌های مختلف چگونه و با چه الگوهای رفتاری در آن حضور پیدا می‌کنند. فضا یک داده از پیش موجود نیست که صرفاً منقادکننده یا رهایی‌بخش باشد. بلکه فضا، و در این پژوهش فضای بوستان شوش، در مناسبات اجتماعی تولید می‌شود؛ از این رو باید در رابطه با مناسبات اجتماعی جامعه و روابط کنش‌گران- دو جنس زن و مرد- در نظر گرفته شود. عاملیت یا انقیاد یک انتخاب از پیش معلوم نیست، بلکه این شرایط پیرامون کنش‌گر و برداشت او از فضا است که مفهوم عاملیت و انقیاد را برای وی معنا می‌بخشد [۱۴]، ص ۷۲]. طراحی نمادین فضا علاوه بر تجویز نظم اجتماعی و تکثیر آن در قالب فضا، چارچوبی را برای تجربه فراهم می‌کند که ما به واسطه آن می‌توانیم بیاموزیم در جامعه چه کسی و چه چیزی هستیم [۲۲، ص ۲۱۴]. این مسئله را می‌توان در بوستان شوش نشانه‌شناسی کرد. برنامه‌ریزان شهری- به مثابه مفسران دوراندیش پیچیدگی‌های مناسباتی جامعه [۱۵، ص ۴]- باید به دور از درافتادگی و دچار شدن در «وهم به‌ظاهر اخلاقی درک برتر» از پدیده‌های پیرامون [۲] در صدد رفع نیازهای زیستی و فعالیتی زنان در فضاهایی چون بوستان شوش باشند، زمینه‌های آموزش و حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی را فراهم آورند و در فرایند برنامه‌ریزی جایگاه آن‌ها را به‌منزله سوژه‌های فعال^۵ حفظ کنند. عدم درک صحیح برنامه‌ریزان و طراحان در مقام سویه سوم قدرت- که در واقع بخشی از تجربه هژمونیک قدرت و سیاست فضا در و بر فضا محسوب می‌شوند [۲۵]- از نیاز گروه‌های مختلف به‌ویژه زنان در طراحی فضاهای شهری موجب سردرگمی افراد و به دنبال آن پس زده شدن^۶ آن‌ها از فضا می‌شود. بوستان شوش مصداق فضایی این امر است.

-
1. domination
 2. power
 3. two urban bodies
 4. space for action
 5. active subject
 6. rejection



شکل ۷. تأثیر برنامه‌ریزان و طراحان بر کاهش حضور زنان در فضاهای شهری

هنری لوفور^۱ در تحلیل چگونگی اثرگذاری قدرت در سازمان‌دهی فضا، مفهوم جنسیت را در اولویت قرار می‌دهد و بدین شکل بیان می‌دارد که قدرت اقتصادی و سیاسی نه تنها فضا، بلکه افزون بر این تسلط قدرت مردانه بر فضا را نیز می‌آفریند، نظم می‌بخشد و به کار می‌بندد [۲۴، ص ۱۶۷]. این نوع بهره‌گیری از فضا را، که پیش از هر چیز به‌نوعی قلمروزدایی کردن^۲ نیز محسوب می‌شود، میشل فوکو هنر توزیع^۳ می‌خواند. فضا و به‌طور مشخص فضاهای شهری که چنین جنس‌بندی شده‌اند، برای فوکو بیش از آنکه محملی برای مفاهیم انتزاعی و ایدئولوژی‌ها باشد، در درجه اول جایی است که در آن مناسبات واقعی قدرت تولید و بازتولید می‌شود. بر همین اساس، به تعبیر فوکو که روابط قدرت را به‌مثابه «بازی راهبردی بین آزادی‌های» ناشی از حضور درک می‌کند، این شیوه از حضور، که در واقع متأثر از طراحی فضایی است، به منفک‌شدن تدریجی جنسیت‌ها و همگن‌سازی فضا منجر می‌شود [۱۲]. در بوستان شوش، این شکل از حضور فضایی، که به نوعی بیانگر توزیع مکانی از پیش اندیشیده شده نیروهای اجتماعی به‌واسطه طراحی کالبدی- فضایی است، عقل و خرد مسلط مردانه^۴، زنان را فقط به‌صورت در حاشیه^۵ و به بهای تبدیل‌شدن آن‌ها به موجوداتی بی‌نام و نشان و بی‌هویت^۶ و عنصر دوم در فضایی که سراسر مردانه شده است، می‌پذیرد.

فضا یک هستی جهان‌شمول^۷ نیست، بلکه به لحاظ اجتماعی تولید می‌شود و بنابراین فقط

1. Lefebvre
2. deterritorialization
3. art of distribution
4. masculine rationality
5. on margin
6. unmarked and anonymous beings
7. universal existence

می‌تواند در متن و زمینه یک جامعه خاص فهم شود [۱۹]. گاه پیشینه‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع به تقسیم نامعقول اجتماعی و فضایی منجر می‌شود که این دسته‌بندی به نابرابری جنسیتی بدل می‌شود. از این رو، با در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی مذکور، لحاظ کردن مؤلفه‌های عدالت فضایی در برنامه‌ریزی و در نتیجه طراحی صحیح فضاها و عرصه‌های عمومی در شهر می‌تواند به استفاده متعادل زنان و مردان از این فضاها بدون در نظر گرفتن مشخصه‌های جنسیتی و قومیتی آن‌ها به‌عنوان امتیاز و معیار حضور منجر شود [۷]. در تحلیل فضا نباید فراموش کرد که در هر جامعه با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی، میزان طرد و چگونگی حضور مردان و زنان در فضاهای عمومی متفاوت است. بی‌توجهی به بستر و زمینه‌ای که روابط و مناسبات فضایی در آن شکل می‌گیرد، ما را در فهم منطق ارتباطی فضا^۱ و ماهیت و چگونگی حضور افراد، به‌ویژه زنان، در فضا در مقیاس شهری و در نسبت با جامعه به مسیر خطا رهنمون خواهد کرد [۱۰]. فهم بنیادین این دغدغه که «در حال حاضر چه چیزی موجب شده تا اغلب مردها بر فضاهایی چون بوستان شوش احاطه داشته باشند و زنان به نوعی از نظر دسترسی به فضای آن در حاشیه قرار بگیرند؟»، پیش از هر چیز نیاز به دانش تاریخ فضا^۲ [۲۴] و درک منطق فضایی حضور زنان^۳ و شناخت ارزش‌های فرهنگی مسبوق به تاریخ در لایه‌های زیرین زندگی اجتماعی انسان ایرانی به‌ویژه در زندگی شهری کنونی در جامعه‌مان دارد.

نتیجه‌گیری

زنان به دلیل داشتن توان‌های بالقوه و بالفعل در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی-آموزشی و فضایی می‌توانند نقش سازنده و فعال در پیشرفت و توسعه صحیح هر کشور ایفا کنند. امروزه در متون مدیریت شهری ما، که داعیه حمایت از مفاهیمی چون برنامه‌ریزی عادلانه، شهرسازی عدالت‌محور و مدیریت شهری همگانی و محله‌محور دارد، مباحث جنس و جنسیت و چگونگی تأثیرگذاری آن بر ادراک و فهم افراد مختلف از فضایی چون بوستان شوش و چگونگی بازنمایی آن در ارتباطات درون فضایی یکی از موضوعات اساسی است. جنسیت در شهر و گاهی در یک فضای مشترکی چون بوستان شوش چگونه باعث شکل‌گیری تجربه‌ای متفاوت از آن فضا می‌شود؟ با بررسی تأثیر جنس و جنسیت افراد بر حضور آن‌ها در فضای بوستان شوش و ارتباط آن با نظام ارزشی و فرهنگی جامعه ایران، توجه به این موضوع جلب می‌شود که شهرها ما را به‌عنوان جنسیت‌ها به چه شیوه‌های مادی و فضایی-حضور و عدم حضور- اداره می‌کنند و تجربه شهری ما را به‌مثابه خود ما شکل می‌دهند. چنان‌که بیان شد، فضا به صورت اجتماعی و

-
1. communicational logic of space
 2. knowledge of the history of space
 3. the spatial logic of women,s presence

فرهنگی تولید می‌شود و مناسبات جنسیتی نیز در قالب چگونگی تأثیر بر حضور در فضا به‌طور اجتماعی و فرهنگی و فضایی ساخته می‌شوند. به دنبال شکل‌گیری روابط اجتماعی گوناگون در فضا زمینه‌ای برای بروز رقابت‌های فضایی به واسطه حضور و تلاش برای آن خودسازی نمادین آن به وجود می‌آید که در نهایت این جریان-چنان‌که از خلال مصاحبه‌ها در بوستان شوش مشاهده شد- اساس هر اعمال قدرتی می‌شود. مفهوم قدرت در سطوح خرد و فضایی چون بوستان شوش بیش از هر زمان و پیش از هر چیز مفهومی فضامند است. سازوکار سلطه و قدرت در ارتباط با زنان و مردان به‌مثابه شهروندانی که با حضور خود در فضاهای شهری دست به کنش می‌زنند، با توجه به جنسیت افراد حاضر در فضا متفاوت عمل می‌کند. تفاوت عمل‌کردی فضای بوستان شوش برحسب جنسیت به گونه‌ای است که در این فرایند در نهایت فضای آن به شیوه‌های گوناگون تحت سلطه مردان درمی‌آید و جریان دائم‌التزاید سلطه مردانه به فضا و طرد نمادین زنان از این فضا به شیوه‌های بیانی گوناگون از جمله طراحی منظر فضا و استمرار و انقطاع حضور بازتولید می‌شود. در جامعه ایران نمی‌توان به‌طور مشخص شاهد نوعی از شکل‌بندی روابط بین زنان و مردان بود که در جامعه غرب سامان یافته است. حضور پر قدرت روابط پدرسالارانه در سیر تاریخی اجتماعی جامعه ایران صورت‌بندی ویژه‌ای را در روابط اجتماعی و فضایی، به‌ویژه در زندگی شهری، برای گروه زنان در پی داشته است. این را نیز نباید از نظر دور داشت که امروزه در جامعه ما حضور زنان نسبت به دوره‌های پیشین در عرصه‌های عمومی پررنگ‌تر شده و در برخی فضاها حتی بیشتر از مردهاست. از جمله این فضاها می‌توان به فروشگاه‌ها، مراکز خرید، رستوران‌ها و مراکز مختلف آموزشی اشاره کرد. در نهایت، باید گفت با توجه به شرایط اجتماعی و بستر فرهنگی و سیر تاریخی حضور در فضای عمومی در جوامع مختلف، چگونگی طرد و پذیرش افراد به‌ویژه گروه‌های زنان از فضاهای شهری متفاوت است. از این‌رو، برای تحلیل فضایی جامع‌نگر و درک و دریافت چگونگی تولید و بازتولید قدرت در فضای بوستان شوش و بازنمون آن در سطوح کلی جامعه ما، به‌ویژه جامعه شهری، توجه به نظام ارزشی و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیر تاریخی و لحاظ‌کردن ویژگی‌های مذکور در برنامه‌ها و طرح‌های شهری که به فضا شکل می‌دهند، از ضرورت‌های مطالعاتی پیش از هر اقدامی است.

برای رفع چالش حضور زنان در بوستان شوش، به جای بنا کردن ساختارهای کالبدی صرف در این فضا، ابتدا با تقویت بسترهای فرهنگی حضور در جامعه، بهتر آن است که ظرفیت‌سازی و توانمندسازی منابع اجتماعی و سرمایه انسانی مورد توجه قرار گیرد. راهبردهای تقویت حضور زنان در فضاهای عمومی، به‌ویژه فضایی چون بوستان شوش که وجود و حضور گروه‌های خاص اجتماعی با رفتارهای نامتعارف فرهنگی باعث نشانه‌دار شدن تدریجی فضا و به دنبال آن طرد سایر گروه‌ها می‌شود، از طریق توجه ساختار مدیریتی به انسجام اجتماعی، تعهد مدنی و مشارکت مردمی در مقیاس محلی، به جای تأکید صرف بر بهبود شرایط کالبدی و فیزیکی

شهرها و محله‌ها، می‌تواند موجب تقویت ظرفیت‌های فرهنگی و فراهم‌آوردن زمینه‌های اجتماعی حضور زنان در فضاها شهری شود.

منابع

- [۱] ابادری، یوسف؛ سهیلا، صادقی فسایی؛ حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷). «احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره»، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱، ص ۷۵-۱۰۳.
- [۲] بودریار، ژان (۱۳۹۳). *نظام/اشیاء*، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: ثالث.
- [۳] تانکس، فرن (۱۳۹۰). *فضا، شهر و نظریه اجتماعی مناسبات اجتماعی و شکل شهری*، ترجمه حمیدرضا پارس و آرزو افلاطونی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۴] رضازاده، راضیه؛ محمدی، مریم (۱۳۸۸). «بررسی عوامل محدودکننده حضور زنان در فضاها شهری». هنرهای زیبا، دوره ۱، شماره ۳۸، ص ۱۰۵-۱۱۴.
- [۵] شورت، جان رنه (۱۳۹۰). *نظریه شهری/ارزیابی انتقادی*، ترجمه کرامت‌اله زیاری، تهران: دانشگاه تهران.
- [۶] صادقی، علی‌رضا؛ احمدی، فریال؛ غفاری سروسستانی، نازنین؛ رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۱). «تدقیق انگاره‌های حاکم بر حضور زنان مسلمان در عرصه‌های عمومی شهری (نمونه موردی: شهر شیراز)»، *مطالعات شهری*، دوره ۱، شماره ۲، ص ۷۱-۸۵.
- [۷] ضابطیان، الهام؛ رفیعیان، مجتبی (۱۳۸۷). «درآمدی بر فضاها شهری با رویکرد جنسیتی»، *جستارهای شهرسازی*، شماره ۲۴ و ۲۵، ص ۴۸-۵۵.
- [۸] علیخواه، فردین؛ شفیعی، معصومه (۱۳۹۳). «فضا و بازتولید قدرت»، *فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی*، دوره ۷، شماره ۱، ص ۹۵-۱۲۲.
- [۹] علیرضانژاد، سهیلا؛ سرائی، حسن (۱۳۸۶). «زن در عرصه عمومی: مطالعه‌ای موردی در مورد فضاها عمومی در دسترس زنان شهری و تغییرات آن»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره جدید، شماره ۳۰، ص ۱۲۳-۱۴۹.
- [۱۰] فلیک، اووه (۱۳۸۸). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلیان، تهران: نی.
- [۱۱] فوکو، میشل (۱۳۸۷). *مراقبت و تنبیه: تولد زندان*، تهران: نی.
- [۱۲] مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹). *طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندهای اجتماعی و مکانی*، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- [۱۳] نادری، سارا (۱۳۹۲). *درآمدی بر روایت زنانه از شهر*، تهران: تیسرا.
- [14] Bauman, Zygmunt (1987). *Legislators and Interpreters On modernity, post-modernity and intellectuals*, Cambridge, Polity Press.
- [15] Bayat, Asef (2010). *Life as Politics How Ordinary People Change the Middle East*. Amsterdam: Amsterdam University Press.
- [16] Brenner, Neil, and Stuart Elden (2009). *State, Space, World*. Minnesota: University of Minnesota Press.

- [17] Carr, Stephen, M Francis, L G Rivlin, and A M Stone (1992). *Public Space*. Cambridge: Cambridge University Press.
- [18] Christian, Schmid, Kanishka Goonewardena, Stefan Kipfer, and Richard Milgrom (2008). *Space, Difference, Everyday Life*. New York and London: Routledge.
- [19] Daphine, Spain (1992). *Gendered Spaces*. The University Of North Carolina Press.
- [20] Foucault, Michel (1986). *Space, Knowledge and Power*. The Foucault Reader, Harmondsworth, Penguin.
- [21] Harvey, David (1990). *The Condition of Postmodernity*. Cambridge: Blackwell.
- [22] Habermas, Jürgen (1970). *Towards a theory of communicative competence, Inquiry: An Interdisciplinary Journal of Philosophy*.
- [23] Henri, Lefebvre (1991). *Critique of everyday life Volume one*. London: Verso.
- [24] Lefebvre, Henry (1991). *The Production of Space*. Oxford: Blackwell.
- [25] ----- (1996). *Writings on Cities*. Oxford: Blackwell.
- [26] McDowell, L (1983). "Toward an understanding of the gender division of urban space." *Environment and Planning: Society and Space, Vol 1, pp59-72*.
- [27] Negri, Antonio, and Michel Hardt (2004). *Multitude War and Democracy in THE Age of Empire* New York: The Penguin Press.
- [28] Sophie, Watson (2005). *Bodies, Gender, Cities*. City: Analysis Of Urban Trends, Culture, Theory, Policy, Action.
- [29] Zieleniec, Andrzej (2007). *Space and Social Theory*. London: SAGE Publications.